

تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات

محمد گنجی دوست *

پژوهشگر دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه

(تاریخ دریافت: ۸۶/۴/۲ - تاریخ تصویب: ۸۶/۱۰/۳)

چکیده:

عصر اطلاعات برآمده از رشد معجزه‌آسای فناوری اطلاعات و ارتباطات زمینه‌ساز تحول در همه زمینه‌های حیات بشری گردیده‌است. دیپلماسی، که با قدمتی به بلندای تاریخ همواره بر دو عنصر اساسی اطلاعات و ارتباطات استوار بوده‌است بیش از سایر حوزه‌های اجتماعی در معرض تأثیرپذیری از مشخصه‌های عصر اطلاعات است. اتصال دورترین ملت‌ها به یکدیگر از طریق شبکه‌های الکترونیکی، تسهیل ورود بازیگران جدید به عرصه روابط بین‌الملل؛ مداخله جمعیت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی، اعم از منطقه‌ای و بین‌المللی در مسائل خارجی و داخلی کشورها، طرح عناوین نوینی چون دهکده جهانی، حقوق شهروندان جامعه جهانی، چرخش آزاد و غیرتبعیض‌آمیز اطلاعات، حاکمیت بر فضای اینترنت (رایانه‌ای)؛ رواج تجارت الکترونیک و تحقق مبادلات میلیاردی در دقایقی چند، بدون اطلاع دولت‌ها و سازمان‌های ذریبط، حاکی از روندی است که محتوا و شکل دیپلماسی را متحول و بعضاً نیازمند بازتعریف و تغییرات ساختاری نموده‌است. گزاف نخواهد بود چنانچه دیپلماسی در عصر جدید را مواجه با انقلاب بدانیم؛ اگرچه برخلاف انقلابات معمول، بدون سر و صدا و به تدریج صورت پذیرد.

واژگان کلیدی:

عصر اطلاعات - کلان‌الگو (پارادایم) - دیپلماسی دیجیتال - دیپلماسی مؤثر - دیپلماسی نوین - سازمان‌های غیردولتی - شفافیت - ائتلاف و همگرایی

سخن از تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات است. عصری که طلیعه فجر آن را تجربه می‌کنیم. «الوین تافلر» نویسنده آینده‌نگر آمریکایی، در اوائل دهه ۱۹۹۰، ظهور «عصر اطلاعات information age» را اعلام می‌دارد (Toffler and Toffler, 1993). قبل از وی «دانیل بل» از عصر «پساصنعت‌گرایی post-industrialism» (Bell, 1973) سخن گفته بود و «دیوید هاروی» عنوان «پسافوردگرایی post-Fordism» را برگزیده است (Harvey, 1987)؛ «ژان فرانسوا لیوتارد» نیز عنوان عام «پسامدرن‌گرایی post-modernism» را مطرح ساخته بود (Lyotard, 1984). با این وجود، سابقه ظهور عصر اطلاعات را از جهاتی می‌توان به زمان اختراع تلگراف توسط «ساموئل مورس Samuel Morse» به سال ۱۸۳۷ برگرداند.

در حوزه روابط بین‌الملل نیز عصر اطلاعات زمینه‌ساز تحولات اساسی است. «مارک زاچر Mark Zacher» اندیشمند کانادایی، سرشناس در علوم سیاسی، از «ارکان رو به نابودی» معبد وستفالی Westphalia temple^۱، پرستشگاه اندیشه سیاسی جهان برای قریب به سه قرن «خبر می‌دهد. وی ابراز عقیده می‌کند که معاهده ۱۶۴۸ وستفالی، «دولت را قدرت فائق و حاکم در محدوده جغرافیایی خود می‌شناخت. اکنون، دنیا روند گذاری اساسی را تجربه می‌کند و از سامانه سیاسی مبتنی بر دولت‌های صاحب اختیارات فراوان به سامانه‌ای که در آن دولت‌ها در تور شبکه‌ای از «به هم وابستگی‌ها interdependencies» گرفتار آمده‌اند، تغییر می‌کند» (Zacher, 2000, 480, 519, 521). «جان روگی»، از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، استدلال می‌کند که شاهد «تغییری هستیم نه تنها در بازی سیاسی بلکه در میدان شکل‌گیری بازی» (Ruggie, 1993). «جیمز روزینا»، نویسنده کتاب جهان پرآشوب، عصر حاضر را دربردارنده نقطه عطفی به سوی «سیاست پساروابط بین‌الملل (post-international relations)» می‌شمارد (Rosenau, 1990). به اعتقاد گروهی از اندیشمندان، محرک‌های عصر اطلاعات زمینه ظهور کلان‌الگو (پارادایم)‌های سیاسی نوینی را فراهم آورده است.

نخ تسبیح همه این نگاه‌ها و تحلیل‌ها، ضمن اینکه ناظر بر کانون‌های متفاوتی هستند، این است که عصر اطلاعات با رشد معجزه‌آسای فناوری اطلاعات و ارتباطات، یا به عبارت دیگر، همان روند مشهور «انقلاب اطلاعات information revolution»^۲، آبستن دگرگونی‌های وسیعی است.

^۱ - فوردیسم نمادی از اقتصاد شکوفا شده توسط هنری فورد بر پایه تمرکز هر تولیدکننده بر نوعی خاصی از تولید برای نیل به بیشترین بازده در تولید است که البته مستلزم مصرف فراوان از محصولی یکنواخت نیز می‌باشد. و عصر پسافوردیسم با نقش‌آفرینی فناوری در تولید سفارشی براساس خواست مشتری چنین نگرشی به تولید در اقتصاد را دگرگون می‌سازد (توضیح از نویسنده).

در سوی دیگر این بحث سخن از دیپلماسی است. نهادی با ریشه‌هایی عمیق تاریخی، غرق در آداب و تشریفات کهن اجتماعی؛ آنچنان سخت ریشه که کمتر تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می‌گیرد؛ لکن از آنجاکه بر ارتباطات بین‌المللی استوار است، علی‌رغم طبیعت کمتر انعطاف‌پذیرش، چه بسا بیش از دیگر وجوه حیات بشری، از تحولات عصر جدید تأثیر پذیرفته‌است؛ تا آنجا که عدم آشنایی با فرآیندهای نوین فنآوری اطلاعات و ارتباطات و کاربری آنها در این حوزه، شکست اهداف دیپلماسی را هشدار می‌دهد. در این راستا، برخی متخصصین روابط بین‌الملل، فعالیت‌های مناسب و مؤثر دیپلمات‌ها در عرصه کارزار جدید را تنها با اتخاذ سازوکارهایی مبتنی بر فنآوری‌های نوین، تحت عنوان: 'دیپلماسی دیجیتال Digital Diplomacy' موفق می‌دانند. 'دیپلماسی مؤثر Effective Diplomacy'، اصطلاحی دیگر است که نیاز انطباق دیپلماسی با تحولات محیطی در راستای اهدافش را می‌نمایاند. امری که جز با بهره‌گیری از فنآوری‌های نوین و ابزارهای ارتباطی پیشرفته‌ی کسب اطلاعات و پردازش روش‌مند آن در تبدیل به دانایی اثربخش، برای اقدام مؤثر و به‌هنگام در مرزهایی فراتر از محدوده‌های سنتی و غیرکارآمد ممکن نیست.

با چنین پیش‌درآمدی، برآنیم تا در این مقاله پژوهشی توصیفی-تحلیلی تحولات دیپلماسی، متأثر از مشخصه‌های عصر اطلاعات را دنبال نماییم.

پیشینه تاریخی دیپلماسی

دیپلماسی قدمتی به بلندای تاریخ تشکیل اجتماعات بشری دارد. در نگاه قدسی، فرشتگان و انبیاء الهی را که در مأموریتی خردمندانه و با نرم‌افزاری از امانتداری، صداقت، صمیمیت و خیرخواهی، پیام الهی را هنرمندانه به بشر ابلاغ می‌نمودند باید نخستین دیپلمات‌ها دانست.

با این وجود، در ادبیات روابط بین‌الملل، در یک تقسیم‌بندی، تاریخ روابط دیپلماتیک را مشتمل بر سه دوره دانسته‌اند: دوره قدیم (تا سال ۱۸۱۵)، دوره کلاسیک (از ۱۸۱۵ تا جنگ جهانی اول ۱۹۱۸) و دوره معاصر، 'دیپلماسی نوین Modern Diplomacy'.

دیپلماسی دوران باستان

پیش از شکوفایی فرهنگ یونان، در تمدن‌های اولیه ایران، هند، چین و مصر، دیپلماسی رواج داشته‌است. مکاتبات سیاسی کشف شده در مصر، مربوط به سیزده قرن قبل از میلاد مسیح (علیه السلام)، نشانگر روابط دیپلماتیک گسترده فراغنه مصر با پادشاهان آسیای صغیر

است. سنت اعزام و پذیرش نماینده، در میان اقوام و ملل مختلف این منطقه جاری بوده است. در این راستا، وظایف فرستادگان تعیین و افراد حائز شرایط و قادر به تحقق آن‌ها گزینش و اعزام می‌گردیدند. هوشمندی، خردمندی و گشاده‌رویی اغلب از شرایط تعیین سفرا بوده است. نامه‌های پیامبر بزرگوار اسلام به رؤسای ایران، بیزانس، حبشه و مصر، نمونه‌های بارزی از دیپلماسی پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌باشند. انتخاب سفرا از میان صالح‌ترین، شایسته‌ترین مؤمنین به اقتضای مأموریت مربوطه، اولین درس راهبردی آن حضرت در دیپلماسی است. شکوفایی اسلام سبب گردید مسلمین به بسط روابط خود با سایر ملل پردازند.

طی ده قرن حاکمیت کلیسا بر قاره اروپا، در قرون وسطی، واحدهای سیاسی اروپا بخش‌های مختلف یک مملکت محسوب می‌شدند. این واحدها زیر نظر کلیسا قرارداد داشته و از خود استقلالی نداشتند. از این رو، دیپلماسی رایج در اروپا محدود و کنترل شده بود و اعزام سفیر از سوی واحدهای سیاسی به ندرت و با نظر کلیسا صورت می‌گرفت.

دیپلماسی کلاسیک

دولت‌شهرهای ایتالیا، که در اواسط قرن پانزدهم ظهور یافتند، پایه‌گذار کلان‌الگوی (paradigm) دیپلماسی کلاسیک گردیدند. در رأس آن‌ها، دولت 'ونیز' Venize^۱ در گسترش و تکامل این الگوی دیپلماسی نقش مؤثری داشت. تأسیس سفارت‌خانه‌های دائمی برای اولین بار توسط این دولت‌ها و به منظور اطلاع مستمر از تحولات دیگر دولت‌شهرها صورت پذیرفت. سفرا، قبل از عزیمت، اطلاعاتی درباره محل مأموریت کسب و در دوران مأموریت نیز اطلاعات جمع‌آوری شده خود را به مرکز ارسال می‌داشتند. تسلط به زبان محل مأموریت، برخورداری از استعداد و روحیه میهمان‌نوازی از شرایط سفرا بود.

قرن هیجدهم دوران طلایی دیپلماسی نام گرفت. دستگاه منظم دیپلماتیک در فرانسه، زودتر از سایر کشورها، استقرار یافت. همین پیشتازی موجب شد که زبان فرانسه زبان دیپلماتیک گردد.

با تشکیل کنگره وستفالی، و استقرار سیستم دولت-ملت، روابط مستمر دیپلماتیک میان کشورها، رواج بیش‌تر و منظم‌تری یافت. 'سامانه وستفالی Westphalia system'^۲ و 'نهاد دیپلماسی Diplomatic Institution'^۳، اندیشه‌های متقابلی را توسعه و شکل‌گیری دیپلماسی کلاسیک، به عنوان مجموعه‌ای از اصول و مقررات ناظر بر چگونگی تنظیم روابط و مذاکرات

بین کشورهای مستقل، را موجب گردید (Held, 1999:38-39). این امری اتفاقی نبود، زیرا که مشخصه‌های انحصاری کلان‌الگوی غالب در دیپلماسی ماقبل آن، توازن قوای مسلط و کنترل هرج و مرج بود. به عبارت دیگر، "دیپلماسی برآیند تعامل دستجمعی کشورها در راستای وظیفه نهایی آنان، یعنی حفاظت از خویش در محیطی غیرخودی، تلقی می‌شد" (Der Derian 1987: p. 111). اما فرآیند درهم‌آمیخته و متقابلی که دیپلماسی و دولت-ملت‌های با مشخصه‌ی قلمرو جغرافیایی خاص، طی آن با هم پیش رفتند، موجب گردید که دیپلماسی هم حامل و هم حاصل نظام بینابینی کشورها گردد. همچنانکه اغلب ساختارهای اجتماعی از چنین نقش متقابلی برخوردارند، یعنی اینکه، "هم واسطه و هم حاصل رفتارهای متقابل و واکنشی هستند" (Giddens 1984:25, cf. Scott 2001:75).

بدین ترتیب، دیپلماسی کلاسیک در قرن نوزدهم شکوفا شد. کنگره وین ۱۸۱۵ به تدوین ترتیبات مربوط به روابط دیپلماتیک پرداخت. همکاری بر خصومت چیرگی یافت. گفتمان متأثر از انقلاب فرانسه دیپلمات‌ها را، به جای اینکه نماینده شاه باشند، نماینده دولت محسوب و از ارج و قرب خاصی بهره‌مند ساخت.

دیپلماسی کلاسیک در ایجاد ثبات در صحنه سیاسی اروپا توفیق زیادی کسب کرد. تعداد جنگ‌ها کاهش یافت. جمع آوری اطلاعات در کشور محل مأموریت، دیگر جاسوسی تلقی نمی‌شد و دیپلمات واسطه، مذاکره‌کننده حرفه‌ای، صدای حاکم و نماینده اقتدار کشورش محسوب می‌شد.

با این وجود، روابط دیپلماتیک، همچنان بسته و به دور از دید مردم و حتی در مواردی مخوف باقی ماند. در بسیاری از کشورها، سفرا کماکان نماینده شخصی پادشاه بودند. "به عنوان نمایندگان رئیس کشور متبوع خویش، اطلاعات محرمانه و درگوشی به رئیس کشور محل مأموریت منتقل و متقابلاً گزارشات محرمانه از آن کشور برای دولت متبوعشان ارسال می‌داشتند. ذهنیتی که امروزه مؤید صلاحیت نیست" (Salmon, presentation paper). مشخصه دیپلمات‌ها نیز کماکان سنتی و از پیچیدگی برخوردار بود. "ناپلئون (۱۸۲۱-۱۷۶۹)^۲ گفته بود که، "اولین خصوصیت یک دیپلمات این است که می‌تواند سکوت اختیار کند"^۱ (Napoleon, 1802). بعد از حدود یک قرن و نیم "نیکلسون^۳ نیز توصیف مشابهی

^۱ - The first qualification of a diplomat is the ability to keep silent

داشته و می‌گوید: "اولین خصوصیت یک دیپلمات این است که بتواند از سنگین‌گوشی برخوردار باشد؛ نقشی که ایفای آن همیشه آسان نیست" ^۱ (Nicolson, 1954).

دیپلماسی مدرن

کنفرانس صلح پاریس در ۱۹۱۹، الهام بخش این شناخت بود که مکانیسم‌های نهاد دیپلماسی در نیل به صلح، از فرهنگ دیپلماسی اروپایی پیشی گرفته‌است (Anderson, 1993). دگرگونی‌های نظام بین‌الملل، نوآوری‌های فناورانه و توسعه‌ی افکار عمومی، حوزه دیپلماسی و روابط بین‌الملل را متحول و به صورت‌هایی چون دیپلماسی آشکار و دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی نمودار ساخت. بر اثر عواملی چند، به تدریج، دیپلماسی کلاسیک، وارث اندیشه‌های سیاسی قرن هیجدهم، عرصه روابط بین‌الملل را ترک گفت. برخی از این عوامل را به شرح زیر دانسته‌اند:

- ۱- دگرگونی نظام بین‌المللی، ظهور ایالات متحده آمریکا و ورود ژاپن و چین به جرگه کشورهای قدرتمند.
- ۲- انقلاب ۱۹۱۷ روسیه و اشاعه شعار برابری و استقلال دولت‌ها
- ۳- دو جنگ جهانی اول و دوم و ترس از افشای اسرار مربوط به روابط سیاسی
- ۴- استقلال شمار زیادی از کشورهای تحت سلطه در آسیا و آفریقا
- ۵- پیوستن کشورهای نظیر ایران و افغانستان و سیام (تایلند امروزی) به جامعه ملل
- ۶- خروج دیپلماسی از انحصار دولت‌های اروپایی
- ۷- و بالاخره، پیشرفت تکنولوژی ارتباطات

در اواخر قرن بیستم، دیپلماسی با روند نوینی از تحول روبه‌رو گردید و فضای سنتی و مرسوم گذشته، با مشخصه‌های پرطمطراق، آئین‌های جذاب و تشریفات عریض و طویل آن، به تدریج محدود و دیپلماسی کلاسیک با گذران آخرین لحظات عمرش به پرده سینماها واگذار شد.

در اندیشه مدرن، دیپلماسی مجموعه‌ای از فعالیت‌های صلح‌آمیز است، اگرچه در میانه‌ی یک جنگ و یا برخورد مسلحانه و یا در راستای ایفای نقش در راستای اقدامی خشونت‌بار،

¹ - The first qualification of a diplomat is that he be dull. This is not always easy.

نظیر کسب اجازه پرواز عبوری برای یک حمله نظامی باشد. "شفاف‌سازی خط فاصل بین دیپلماسی و اقدامات قهرآمیز از دست‌آوردهای ویژه دیپلماسی مدرن می‌باشد" (Barston, 2006). در اندیشه نوین، دیپلماسی مدرن از طیف گسترده‌تری برخوردار است. "سطوحی از این گسترش مفهومی و محتوایی، در طیف وسیعی از موضوعات دیپلماتیک معاصر، در تعبیری چون 'دیپلماسی نفت'، 'دیپلماسی منابع'، 'دیپلماسی دانایی' و 'دیپلماسی گذار' تجلی دارد" (Barston, 2006). بدون تردید امروزه، شمول دیپلماسی از برداشت محدود 'سیاسی-راهبردی politico-strategic' که به این اصطلاح داده می‌شد فراتر رفته‌است. نگاه تنگ‌نظرانه و نگرش محدودسازی دستگاه دیپلماسی به وزارت امور خارجه‌ها و اعضای خدمات دیپلماتیک نیز دیگر موجه نیست؛ بلکه فضای دیپلماسی، فضایی است مملو از بازیگران گوناگون، شامل 'دیپلمات‌های سیاسی political diplomats'^۱، مشاوران، نمایندگان و مقامات رسمی وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و هم‌تایان متقابل آن‌ها؛ مقامات سازمان‌های بین‌المللی گوناگون، به تناسب محتوای موضوع دیپلماسی، نظیر 'صندوق بین‌المللی پول IMF' و دبیرخانه سازمان ملل و مجموعه‌ای از شرکت‌ها و دولت‌های طرف تعامل و نیز سازمان‌های غیردولتی، خصوصی و افراد مستقل.

عصر اطلاعات و تحولات دیپلماسی

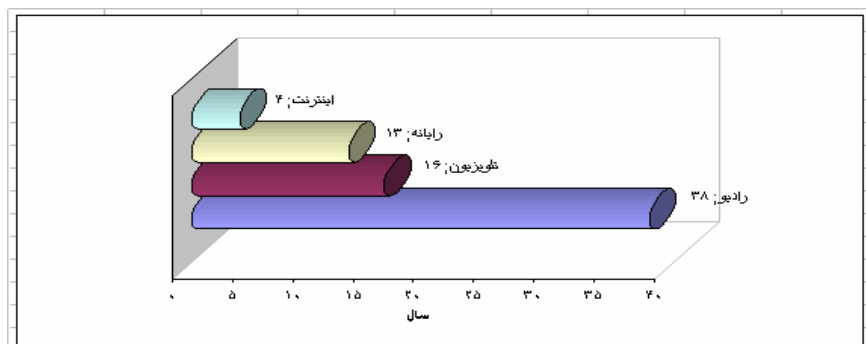
نگاهی به عصر اطلاعات

عصر اطلاعات را حاصل سومین انقلاب اجتماعی، پس از انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی، دانسته‌اند. به تعبیر 'بیل کولمن'^۲ (Bill Coleman)، انقلاب اطلاعات، سومین انقلاب اقتصادی است. به اعتقاد وی "انقلاب کشاورزی با مقدار غذای قابل تولید برای تغذیه جمعیت سر و کار داشت. میزان و سرعت انتقال سرمایه نیز برانگیزاننده و هموارکننده انقلاب اقتصادی بود. و آنچه موجب تغییر امروز جهان است، افزایش شگفت‌انگیز مقدار و سرعت انتقال اطلاعات است" (Coleman, Bill). برجسته‌ترین مشخصه‌ی عصر اطلاعات، رشد فنآوری‌ها و بویژه فنآوری اطلاعات و ارتباطات و فراگیر شدن آن در سطح جهان است که اصلی‌ترین محرکه پویای در این عصر می‌باشد.

۱- کاربرد این اصطلاح را به جیمز بیکر James Baker، وزیر خارجه سابق ایالات متحده آمریکا نسبت می‌دهند.

اینترنت نماد عصر اطلاعات

نماد بارز عصر اطلاعات، شبکه متشکل از رایانه‌های بهم‌پیوسته در سراسر جهان، یعنی اینترنت^۱ می‌باشد. اینترنت پررشدترین ابزار ارتباطی جهان بوده که معجزه‌آسا به همه زوایای زندگی انسان امروز نفوذ کرده است. مسیر رشدی که رادیو در ۳۸ سال، تلویزیون در ۱۶ سال و رایانه در ۱۳ سال داشته، اینترنت در ۴ سال طی کرده است (UNDP, 1999).



۱- سال‌های طی شده برای گسترش به سطحی یکسان

با این وجود، آنچه واقعاً توسعه‌ای انقلابی محسوب می‌شود و در پیشرفت تصاعدی چندین ساله اخیر نقش‌آفرین بوده، ظهور شبکه گسترده جهانی (WWW)، صفحات الکترونیکی فرارسانه‌ای، مشتمل بر انواع رسانه‌ها، متن، تصویر، صوت و غیره، هم در قالب‌های مجزا و هم به صورت‌های ترکیبی، همه در سکویی واحد، (Elmer-Dewitt, Philip; 1994) به عنوان بارزترین نماد کلان‌الگوی محیط نوین ارتباطات عصر حاضر می‌باشد (Ronald Deibert, 1997). جستجوگرهای نوین اینترنتی، اتصال به شبکه را آنچنان آسان ساخته که گویی کانال‌های تلویزیون را تغییر می‌دهی. این امر خود موجب افزایش چشمگیر تعداد کاربران گردیده است. کاربران اینترنت که برای اواسط ۱۹۹۸، ۱۴۳ میلیون نفر تخمین زده می‌شد، در سال ۲۰۰۲، یک دهم جمعیت جهان (۶۵۵ میلیون نفر) را فرا گرفتند (BBC, 2002). این تعداد برای سال ۲۰۰۵، متجاوز از یک میلیارد نفر پیش‌بینی شده بود (Smith, 1999). در آمار ژوئن

^۱ - اینترنت در دهه ۱۹۷۰ پروژه‌ای رایانه و شبکه‌ای ارتباطاتی آزمایشی بود با عنوان 'آپراننت' APRANET در ارتش ایالات متحده آمریکا که برای مقابله با حمله هسته‌ای طراحی شده بود، سپس در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ به عنوان ابزاری ارتباطاتی در سازمان‌ها و دانشگاه‌های پژوهشی به اینترنت توسعه یافت.

۲۰۰۶ حدود یک میلیارد و پنجاه میلیون نفر ذکر شد (Internet world statistics) و برای سال ۲۰۰۹ تعداد کاربران یک میلیارد و چهارصد میلیون نفر پیش بینی شده‌اند (Travel.com). آخرین آمار مربوط به جمهوری اسلامی ایران حاکی از آن است که تا پایان فروردین ماه ۱۳۸۵، تعداد کاربران اینترنت از مرز یازده میلیون نفر عبور کرده‌است (هفته‌نامه بزرگ‌تره فناوری).



۲- نمودار رشد کاربران اینترنت در ایران از سال ۷۹ تا ۸۵

لارنس لیسینگ Lawrence Lessing 'اینترنت را' نوآوری همگانی innovation commons می‌خواند. منبع مشترکی که ایجاد کالا و خدمات جدید و یا نوآورانه را ممکن ساخته‌است (Lessing, Lawrence; 2001). هیچ چیز جز تخیل و مهارت طراح محدوده اینترنت را تعیین نمی‌کند؛ زیرا که اصل ارتباط بین 'دو انتهای هوشمند END-TO-END' در شبکه‌ای که صرفاً وظیفه‌اش انتقال مؤثر و مطلوب داده و اطلاعات است بر اینترنت حاکم می‌باشد.

اینترنت ابزاری بدون رقیب برای دیپلماسی

بارزترین مشخصه عصر اطلاعات توسعه‌ی معجزه‌آسای فناوری اطلاعات و ارتباطات است؛ رمز اساسی تحولات دیپلماسی در عصر اطلاعات را نیز باید در رابطه تنگاتنگ این نهاد با دو عنصر اطلاعات و ارتباطات دانست. در عرصه روابط بین‌الملل و در دنیای دیپلماسی، اطلاعات و ارتباطات نقش محوری، مشترک و جداناپذیر از یکدیگر دارند. دیپلمات‌ها اساساً با اطلاعات و انتقال آن سروکار داشته و دارند؛ اگرچه اطلاعات کمتر به عنوان عنصری برجسته در حوزه روابط بین‌الملل مورد مطالعه قرار گرفته‌است؛ آن مقداری هم که مورد عنایت

بوده است، حکایت استفاده ابزاری سیاستمداران از محتوای اطلاعات در ابعاد مثبت و منفی بوده است (Ruggie, 1993: 139-40).

در ابعاد مثبت، بدون تردید چرخش شایسته اطلاعات از طرق رسانه‌های ارتباطی، در بسیج افکار عمومی و ایجاد انسجام و یکپارچگی، مقوله تعیین‌کننده‌ای بوده و نقش به‌سزایی داشته است. در ابعاد منفی، تبلیغات سوء، دستکاری‌ها و مدیریت‌های فریبکارانه اطلاعات و خبرسازی‌های ماهرانه توسط برخی دولت‌ها برای جلب حمایت‌های بین‌المللی و یا به چالش کشیدن توان رقیب یا دشمن از نمونه‌های قابل ذکر است.

قدر مسلم، تأثیرات ساختاری اطلاعات و ارتباطات بر فعالیت‌های حوزه روابط بین‌الملل و فراوری آن در راستای نیازهای سیاسی، اهمیت این دو عنصر را دوچندان ساخته است.

جورج شولتز، وزیر امور خارجه اسبق ایالات متحده آمریکا می‌گوید: «ماده خام دیپلماسی اطلاعات است: کسب آن، تشخیص آن، وارد نمودن آن به سیستم برای انتفاع و یا درهم پیچاندن دیگران» (Shultz, 1997). هدلی بال (edley Bull)، نیز بر بعد ارتباطاتی دیپلماسی تأکید داشته و کارکرد اولیه دیپلماسی را تسهیل ارتباط بین رهبران سیاسی کشورها و دیگر واحدهای جهان سیاست دانسته است (Martin, 2001).

بری فولتن، استاد دانشکده رسانه و امور عامه در دانشگاه جورج واشنگتن، در مقاله‌ای تحت عنوان اختراع مجدد دیپلماسی در عصر اطلاعات، براساس نگاه مرکز مطالعات راهبردی بین‌المللی (CSIS) آمریکا دیپلماسی را چنین تعریف می‌نماید: «هنر پیشبرد منافع ملی از طریق تبادل محفوظ اطلاعات بین ملت‌ها و افراد است و هدف آن ایجاد تغییر در تلقی‌ها و رفتارها می‌باشد. امری است که روابط در سطح دولت‌ها را پیگیری می‌نماید (فولتن، بری؛ ۲۰۰۱)».

در تعبیری مشابه، وظایف اصلی دیپلمات‌ها بر دو بخش است: فراهم آوردن اطلاعات و انجام مذاکرات. ضرورت اطلاعات برای ترسیم واقع‌گرایانه اهداف سیاست خارجی است و مذاکرات برای تحقق اهداف آن.

با ملاحظه اهمیت فوق‌العاده اطلاعات برای دیپلماسی، طبیعی این است که هر تغییر اساسی در شکل ارتباطات اثر تعیین‌کننده‌ای بر روش و راهکار دیپلماسی داشته باشد. همین جایگاه اساسی اطلاعات و ارتباطات در این نهاد بین‌المللی است که برای کاوش در راستای بررسی چگونگی مساعدت محیط نوین ارتباطات به دولت و بازیگران غیردولتی، از نهاد دیپلماسی الگوی مطالعاتی ایده‌آلی ساخته‌است.

دگرگونی‌های مفهومی در روابط بین‌الملل

“مشخصه‌ی انقلاب‌های مبتنی بر فن‌آوری، گستردگی و فراگیری آن‌ها است؛ به گونه‌ای که در همه حوزه‌های تلاش‌های بشری نافذ هستند؛ این مشخصه‌ها صرفاً منبع برونزای تأثیرگذاری نبوده بلکه تار و پودی که فعالیت‌های بشر در آن شکل می‌گیرد را نیز شکل می‌دهند” (Cactells; 1996). انقلاب اطلاعات، با روند فزاینده چرخش اطلاعات، فضایی وسیع‌تر از مرزهای جغرافیایی و فراتر از حوزه مدیریت سیاسی سنتی و قلمرو قراردادی قدرت، در ابعاد فرهنگی، اقتصادی و سیاسی فراهم می‌آورد. ‘مانوئل کسل’ در مقاله‌اش در ۱۹۹۷ آورده‌است: “کنترل اطلاعات و سرگرمی‌ها و از آن طریق کنترل بر عقاید و برداشت‌ها،... ابزار تاریخی مهار قدرت توسط حکومت‌ها بوده‌است” (Cactells; 1997). این قدرت تاریخی دولت-ملت‌ها با انقلاب اطلاعات در مسیر ناکارآمدی قرار گرفت.

مشخصه‌های عصر اطلاعات، مفاهیم اساسی در روابط بین‌الملل، نظیر قدرت، امنیت و منافع ملی را دستخوش تحوّل و نیازمند بازتعریف بر بنیان‌های نوینی نموده‌است. در رویکرد واقع‌گرایان در نظریه روابط بین‌الملل، جهان مجموعه‌ای است از کشورهای واحد، با حاکمیت یکسان و دیپلماسی ابزاری برای تقویت منافع کشور در راستای تأمین موازنه و حفظ تعادل بود و به تعبیر آقای مورگنتا، دیپلماسی “ابزاری است برای نیل به صلح از طریق مدارا Peace through accomodation” (مورگنتا؛ ۱۳۷۴). خانم مادلین آلبرایت وزیر امور خارجه سابق ایالات متحده آمریکا، در یازدهمین همایش سالیانه فن‌آوری، اذعان می‌نماید که: “تعریف قدرت دولت-ملت (ملّی) و بنیان و اساس امنیت ملّی تغییر می‌یابد” (Bollier; 2003). ‘میرسی دان جیوانا Mircea Dan Geoana’، وزیر خارجه رومانی می‌گوید: “ما شاهد تغییری شگرف در مفهوم، قالب و ساختار امور بین‌الملل هستیم. در تعریف ‘منافع ملّی’ که بطوری روزافزون با رقابت اقتصادی، نفوذ فرهنگی و نفوذ منطقه‌ای و زیرمنطقه‌ای در ارتباط است نیز شاهد تغییری وسیعی هستیم” (Bollier; 2003, p-4). سخن ریتسون مبنی بر اینکه “انقلاب اطلاعات متکّی بر پیشرفت‌های مخابراتی و رایانه‌ای، زمان و فاصله را به شدّت کوتاه و با

فراهم آوردن فرصت ایفای نقش در سرنوشت خویش، برای هرکس و در هرکجا، توازن قدرت را بهم ریخته است” (Writson; 1997) نیز در درون خود تحول در مفهوم قدرت را می‌رساند. ریتسون معتقد است، نه تنها ذهنیت ‘برادر بزرگ’ آقای ‘اورول’ Orwell بی‌اعتبار گردیده، بلکه برعکس شهروندان متوسط، با یک رایانه و مودم ساده، در هر نقطه از عالم، می‌توانند به هزاران پایگاه داده‌پردازی بین‌المللی دسترسی داشته و قادر بر نظارت بر برادر بزرگ باشند. ارتباط افراد، از هر جنس، رنگ و نژادی، با یکدیگر، روح آزادی و ابراز وجود را در چهار گوشه گیتی گسترش می‌دهد. دهکده‌ای جهانی با آداب و رسوم جهانی از مفاهیم ضمنی چنین ارتباطی است. به گونه‌ای که، انکار حقوق بشر یا نفی آزادی مردم، دیگر انکار و نفی پدیده‌ای تجربه نشده توسط مردم نیست؛ بلکه به مفهوم انکار سنت رایج دهکده می‌باشد. اعتقاد مردم نسبت به امکان رواج این مشخصه‌ها در دهکده، سقف را بر سر آنانکه مانع تحقق آن‌ها باشند خراب می‌کند. باضافه، از آنجا که انقلاب اطلاعات مبانی قدرت را تغییر می‌دهد، ساختار قدرت در جهان با چالش مواجه می‌گردد؛ مثلاً ظهور بازارهای جهانی، نظریه‌های اقتصادی مبتنی بر مفروضات بازارهای ملی را زیر سؤال می‌برد. “در بازارهای سرمایه‌ای جهان، دولت‌ها توان تأثیرگذاری بر نرخ ارز نخواهند داشت.” بازار به یک دستگاه عظیم نظرسنجی و اعلام رأی تبدیل گشته که منعکس کننده قضاوت بازرگانان دربارہ سیاست‌های مالی، پولی و دیپلماسی کشور است. این فرآیند چیزی را که ریتسون ‘استاندارد اطلاعاتی’ می‌خواند پدید آورده است که با سرعت عمل بیش‌تری نسبت به استاندار سنتی پلامحوری از استحکام برخوردار می‌شود. در دهه‌های آتی، توانایی جذب و مدیریت سرمایه‌های معنوی در بقاء و سعادت مؤسسات و یا ملت‌ها عامل تعیین‌کننده‌ای می‌گردد. با این وجود، آقای ریتسون اذعان می‌نماید که نه اطلاعات و نه فناوری نمی‌توانند جایگزین خصیصه شهامت و رهبری گردند زیرا که در نهایت امر این انسان است که بایستی مشکلات سیاسی و اجتماعی جهان را حل نماید. البته این استعدادهای انسانی در محیط دانایی محور باید بروز نماید.

عدم تمرکز قدرت و توسعه مشارکت عمومی

تا قبل از عصر جاری، با هر عنوانی که از آن یادکنی – عصراطلاعات، انقلاب اطلاعات، موج سوم، یا دوران پساصنعت‌گرایی – امور جهان در دست جمعی از سیاستمداران و رهبران ملی بود. قطعاً سال‌ها پیش از آنکه ماکیاولی به نوشتن کتاب ‘شاهزاده The prince’ پردازد، ‘راهبران دیپلماسی diplomatic strategists’ موازنه منافع کشوری علیه کشوری دیگر، در راستای

اهداف کشور خویش را دنبال می‌کردند. اما از خصوصیات بارز کارکرد اینترنت، 'بلاواسطه‌گی End-to-End'، یا 'انتها به انتها محوری' است. این مشخصه موجب توانمندی فرد، تقویت مشارکت و مداخله آزاد می‌گردد و "مادامکه، انحرافی از اصل 'انتها به انتها محوری' مطرح نباشد، توزیع مجدد قدرت از حاکمیت مرکزی و شرکت‌ها به افراد، روند آزادسازی (دمکراسی سازی) را توسعه می‌دهد" (Cowards, Christopher; p.23). بنابراین، در عصر اطلاعات هرکس می‌تواند تنها به اتکاء دانایی و با استفاده از ساختارهای دانایی محور به آفرینش محتوا پردازد؛ نرم‌افزار جدید و کاربردی ابداع نماید و بدون اجازه مقامات ارشد به فعالیت‌های فراگیر و نقش‌آفرین پردازد.

خصوصیت محوری این محیط جدید، قابل مقایسه با سیستم نجومی اعصاب است، با ترکیبی از لوازم ارتباطاتی، تلفن، دورنگار، تلویزیون، رایانه، دوربین، پروژکتور و وسائل گوناگون دیجیتالی؛ قابل نقل و انتقال؛ همگی در یک شبکه مجتمع ارتباطات دیجیتال الکترونیکی که هرگز خاموشی نداشته و به سرعت نور، با ابزارهایی نظیر فیبر نوری و ماهواره‌های سیار، انتقال می‌یابند و با شتابی روزافزون، چه در قالب رایانه‌های خانگی و چه در شکل تلفن‌های همراه و لب‌تاپ که ارتباطات در حین حرکت را تأمین می‌نمایند، به وجوه گوناگون زندگی بشر نفوذ نموده‌است. محیطی است که همه وسائط می‌توانند در آن ادغام گردیده و یا به یکدیگر تبدیل شوند. محیطی تعاملی که در آن ارتباطات، یکطرفه و از یک منبع نبوده بلکه دوطرفه و حتی چندطرفه می‌باشند و موجبات ارتباط لحظه‌ای بین همه افراد متصل به آن فراهم است. به تعبیری دیگر، جهان در قرن بیست و یکم در پوششی از لایه‌های الکترونیکی بهم دوخته شده می‌باشد و اینترنت به عنوان داربستی که با تعداد بی‌شماری از ابزار الکترونیکی گوناگون بهم دوخته شده‌است، ارتباط بین این لایه‌ها را تأمین می‌کند.

آنچه مسلم است در چند دهه آتی نه دستگاه عصب مرکزی قادر بر احاطه بر چنین شبکه عظیمی هست و نه از سامانه 'اطلاعات-مرکز' برخوردار از چنین قدرتی خبری خواهد بود؛ بلکه به اعتقاد بسیاری از دانشمندان ظهور انواعی از خودآگاهی‌ها، پیچیدگی‌های مغز بشر را به چالش رقابت آمیز می‌کشاند (Cowards, Christopher; p.23).

ویلیام دریک (William Drake)، در توصیف فضای عمومی پیش روی دیپلماسی و بویژه دیپلماسی ایالات متحده آمریکا می‌گوید:

“وارد فضایی می‌شویم که شاهد قدرت بیشتر در بخش غیردولتی خواهد بود. اختیارات بخش خصوصی افزایش می‌یابد. این امر منجر به سیاست‌گذاری‌هایی حکومتی ناشی از مداخلات غیردولتی می‌شود. اگرچه این الزاماً به این معنی نیست که اختیارات حکومتی و ملی کاهش می‌یابد، لکن به این معنی است که لازم است به دنبال راه‌های جدید توزیع قدرت بین دولت‌ها و دیگر بازیگران باشیم.”

ترجیح کاربرد قدرت نرم و ناکارآمدی قدرت سخت

فناوری اطلاعات، بنیان‌های قدرت ملی را تغییر داده است. بُوریس ترایکوفسکی Boris Trajkovski، رئیس جمهور ماسودونیا، معتقد است که: “در جامعه جهانی اطلاعاتی، قابلیت‌های سرزمینی، نظامی و منابع طبیعی کمتر می‌توانند مورد اتکاء قدرت باشند. در عوض، اطلاعات، فناوری، انعطاف‌گرایی نهادین، از اهمیت بیشتری در روابط بین‌الملل برخوردار می‌گردند. قدرت برخاسته از دانایی، عقاید و نظریات، ابزار اساسی در جهت نیل به اهداف بازیگران سیاسی است” (Bollier, David; 2003).

نمایش زور بازوی نظامی و یا استفاده سلطه‌جویانه از اهرم اقتصادی فاقد جایگاه ارزشی است و اهمیت روزافزون قدرت نرم و ترجیح استفاده از آن، از مشخصه‌های اساسی دیپلماسی در عصر اطلاعات خواهد بود.

وضعیت گریبانگیر ایالات متحده آمریکا در عراق و اذعان روزمره نخبگان سیاسی جهان بر عدم کارایی قدرت نظامی در حل بحران عراق، فراخوانی است برای روی آوردن به استفاده از قدرت نرم و عدم اتکاء صرف بر قدرت سخت. ژوزف نای به عادت متداول دولت‌ها در اتکاء به قدرت سخت پرداخته و می‌نویسد: “دولت‌ها با بهره‌گیری از قدرت نظامی تهدید می‌آفرینند، می‌جنگند و با کاربرد ترکیبی از مهارت و شانس طی مدتی به نتایج مطلوب نیل می‌گردند. قدرت اقتصادی نیز در همین راستا کاربردی مشخص داشته است. دولت‌ها شبانه می‌توانند به مسدود کردن حساب بانکی بپردازند، فوراً رشوه و مساعده توزیع کنند (اگرچه محاصره اقتصادی غالباً زمان طولانی برای تأثیرگذاری می‌خواهد، تازه اگر تأثیر قابل توجهی داشته باشد)”. وی در ادامه اذعان می‌کند به اینکه: “همه جنگ‌ها و یا تمهیدات اقتصادی فوراً منجر به نتایج مطلوب نگردیده‌اند – توجه کنید به جنگ طولانی ویتنام و شکست نهایی آن” و این واقعیت نیز اذعان گردیده که، “محاصره اقتصادی تنها در یک سوم از موارد مربوطه به اهداف مورد نظر منجر گردیده است” (The Atlantic Monthly, November 2003). آقای نای

می‌افزاید: “صدّام حسین، بیش از یک دهه محاصره اقتصادی را تحمل کرد و اگرچه جنگ چهار هفته‌ای موجب سرنگونی رژیم او شد، ولی آن را تنها بایستی قدم اول آمریکا در نیل به اهدافش در عراق تلقی کرد” زیرا که به قول یک فرمانده ارشد نظامی، “برجستگی یک حمله به میزان تخریب آن نیست بلکه به آن چیزی است که می‌آفریند و در این راستا برای قضاوت درباره عراق، باید سال‌ها در انتظار ماند” (Lute, Jane Holl; 2003).

انقلاب اطلاعات با افزایش ظرفیت قدرت نرم به میزان قابل توجهی طبیعت قدرت را تغییر می‌دهد. “قدرت نرم توان نیل به نتایج مطلوب در روابط بین‌الملل از طریق جاذبه می‌باشد و نه زور و اجبار. توفیق آن در واداشتن دیگران به پیروی و توافق با هنجارها و نهادهای مولّد رفتار مطلوب می‌باشد. قدرت نرم بر جذابیت دیدگاه فرد، یا توان تعیین دستورکار در قالب ترجیح دیگران، تکیه دارد” (Keohane and Nye 1998).

“امروزه نفع بیش‌تر در آن است که خواست خود را خواست دیگران سازی. این امر به پرجاذبه بودن نظر شخص؛ به تعیین دستورکار و موضوع مورد پی‌گیری با پشتیبانی افکار عمومی؛ به نقش ایدئولوژی‌ها و نهادها؛ و بالاخره تخصیص پاداش‌های بزرگ برای همکاری، نظیر گسترش و پیچیدگی بازار یک کشور مربوط می‌شود” (Keohane and Nye 1998).

محیط نوین ارتباطات، با تأکیدش بر اطلاعات و دانایی، قدرت نرم را کاربردی ساخته‌است. در واقع، فناوری‌های جدید اطلاعات و ارتباطات کلید قدرت نرم هستند که مستقیماً برای بازیگران متعددی جاذبه‌آفرین می‌گردند. بویژه، قدرت نرم متضمن این است که نمایندگی‌های سنتی دیپلماتیک امکان بهره‌برداری از منابع سازمان‌های غیردولتی و جامعه مدنی ناظر بر حقوق بشر را داشته باشند و در تبادل‌های آموزشی و ساماندهی امدادسانی تلاش‌هایی را مبذول نمایند (US Advisory Commission on Public Diplomacy; 1996).

بنابراین، توانمندی برای عمل بر اساس جریان اطلاعات و پیام‌های رسانه‌ای، یعنی قدرت نرم، در دنیایی که مشخصه‌ی آن جهانی شدن است و در قالب اطلاعات و ارتباطات شکل گرفته است، نقشی اساسی در تعیین دستورکار سیاسی دارد.

ورود فزاینده بازیگران غیردولتی به عرصه روابط بین‌الملل

ورود بازیگران جدید به عرصه روابط بین‌الملل موضوع دیگر مورد مواجهه دیپلماسی عصر جدید است. با کاهش قابل ملاحظه هزینه ارتباطات و تسهیل انتقال اطلاعات به واسطه رایانه‌های متصل به شبکه، دسترسی وسیع اقشار گوناگون مردمی به انواع اطلاعات ممکن گشته و همزمان از اهمیت اطلاعات محرمانه‌ی نزد دیپلمات‌ها کاسته و نقش ابزاری آن، بویژه در راستای فریب افکار عمومی را ناکارآمد ساخته‌است. مردم قادرند تا واسطه‌های کنترل کننده سنتی اطلاعات، از جمله دولت‌ها، مجامع دیپلماتیک، شرکت‌های فراملی و سازمان‌های اطلاع‌رسانی را پشت سر گذارند. کارشناسان، صاحب‌نظران، اهل دانش و فضل و یا انواعی از مداخله‌جویان دیگر، در قالب افراد مستقل و یا گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی، برای ایجاد نفوذ و ارائه دیدگاه‌های خویش از اینترنت بهره می‌جویند.

خانم 'مادلین آلبرایت' Madeleine Albright^۱ از سفرش به ازبکستان (که ظاهراً در ماه مه ۲۰۰۰ صورت پذیرفته‌است) خاطره درخور توجهی نقل می‌کند. وی می‌گوید: "در سفری دیپلماتیک به ازبکستان تصمیم گرفتم، خارج از برنامه متعارف، از بازار مرکزی بخارا دیدن کنم" (بازاری که به تعبیر وی، با قالیچه‌های آویخته‌اش، منظره بازار شتران قرن پانزدهم میلادی را داشت). آلبرایت می‌افزاید: "تصمیم گرفتم به یکی از شگفت‌انگیزترین مغازه‌ها مراجعه نمایم. به مغازه‌ای که ادویه‌های گوناگون می‌فروخت رفتم. ... فروشنده به شرح انواع ادویه و بسته‌بندی آن‌ها در کاغذهای قیفی مشغول بود که از او پرسیدم کدام ادویه با چه غذایی مناسب است؟ ضمن پاسخ گفت؛ می‌خواهید آدرس پست الکترونیک (e-mail) مرا داشته باشید تا در تماس باشیم" (Bollier, 2003).

این حکایت جالب، نقش فناوری اطلاعات و ارتباطات در تسهیل ورود افراد به عرصه روابط بین‌الملل را می‌نمایاند. چگونه ارتباط فردی از جامعه‌ای فقیر، در فضایی از فرهنگ سنتی آسیایی و در نقطه‌ای دوردست، بصورتی غیر تبعیض‌آمیز، با شخصیتی مطرح در اصلی‌ترین گردونه عرصه روابط بین‌الملل تسهیل گردیده‌است؟ آنچه قابل تأمل است این است که، مزیتی که فضای عصر اطلاعات برای آن فروشنده‌ی ازبک، مستعداً انطباق با شرایط نوین فراهم آورده، برای دیپلمات سنت‌گرای متحجری که فاقد هوشمندی و نبوغ لازم برای انطباق با شرایط جدید باشد را فراهم نخواهد آورد. افرادی از دورافتاده‌ترین نقاط جهان اکنون می‌توانند، با روزآمدترین شیوه‌ها، با ثروتمندترین مراکز تمدنی تعامل داشته باشند. چنین روندی است که به جایگزینی بازیگران فاقد مزیت با بازیگران برخوردار از مزیت منجر

می‌گردد و طیف وسیعی از انواع بازیگران مستعد و نوظهور با برخورداری از منابع اطلاعات دقیق، هم‌اکنون با ایفای نقش‌هایی پرجاذبه به مشارکت در دیپلماسی در عرصه روابط بین‌الملل می‌پردازند. چارلز فایرستون نیز چنین تعبیر می‌نماید: «شاهد دیپلماسی نوینی هستیم که ملت‌های بیش‌تر و بازیگران بیش‌تری (اعم از سازمان‌های غیردولتی، رسانه‌ها، شبکه‌های موردی و نیز نهادهای رسمی دولتی) را همراه با ابزارهایی نوین فرامی‌گیرد. فناوری‌های نوین این امکان را برای هرکس که به ترمینالی دسترسی داشته باشد فراهم می‌آورد که به جای اینکه صرفاً گیرنده پیام باشد، به تهیه و انتقال پیام نیز پردازد» (Bollier, 2003).

رشد قابل توجه دخالت جامعه مدنی در موضوعات بین‌المللی گویای این تحول است:

تعداد سازمان‌های غیردولتی (فقط حقوق بشری)، از ۳۸ سازمان در ۱۹۵۰ به ۱۰۳ در ۱۹۷۰ و ۲۷۵ سازمان در ۱۹۹۰ افزایش یافت (Kathryn Sikkink; Summer, 1993).

اتحادیه انجمن‌های بین‌المللی در سال ۱۹۹۴، ۱۴,۵۰۰ سازمان غیردولتی را شناسایی کرده است (Peter J. Spiro, 1994: 47).

از شواهد رشد سازمان‌های غیردولتی در عرصه دیپلماسی، تأمین کمک ۸/۳ میلیارد دلاری (حدود ۱۳٪ مجموع کمک‌های توسعه‌ای)، توسط آنها برای کشورهای در حال توسعه در ۱۹۹۲ می‌باشد. (Deibert, 1997; p.203).

برای سال ۲۰۰۴، تعداد سازمان‌های غیردولتی ثبت شده در سازمان ملل را ۶۶۰۰ دانسته‌اند (Kerstin Martens, p.2).

جدول زیر بیانگر سازمان‌های غیردولتی است که از موقعیت مشورتی در رابطه با سازمان ملل برخوردار می‌باشند (Kerstin Martens, p.129).

| سال | رشته‌های عمومی | رشته‌های ویژه | مأموریت مشخص | مجموع |
|------------|----------------|---------------|--------------|-------|
| ۱۹۴۸ | ۷ | ۳۲ | ۱ | ۴۰ |
| ۱۹۴۹ | ۹ | ۷۷ | ۴ | ۹۰ |
| ۱۹۶۸ | ۱۲ | ۱۴۳ | ۲۲۲ | ۳۷۷ |
| ۱۹۶۹ | ۱۶ | ۱۱۶ | ۲۴۵ | ۳۷۷ |
| ۱۹۸۳ | ۳۱ | ۲۳۹ | ۴۲۲ | ۶۹۲ |
| ۱۹۹۲ | ۳۸ | ۲۹۷ | ۴۰۹ | ۷۴۴ |
| ۱۹۹۴ | ۴۰ | ۳۳۴ | ۴۱۰ | ۷۸۴ |
| ۱۹۹۵ | ۶۹ | ۴۳۶ | ۵۶۳ | ۱۰۶۸ |
| ۱۹۹۶ | ۸۱ | ۴۹۹ | ۶۴۶ | ۱۲۲۶ |
| ۱۹۹۷ | ۸۸ | ۶۰۲ | ۶۶۶ | ۱۳۵۶ |
| ۱۹۹۸ | ۱۰۰ | ۷۴۲ | ۶۶۳ | ۱۵۰۵ |
| ۱۹۹۹ | ۱۱۱ | ۹۱۸ | ۹۰۹ | ۱۹۳۸ |
| ۲۰۰۰ | ۱۲۲ | ۱۰۴۸ | ۸۸۰ | ۲۰۵۰ |
| ۲۰۰۱ | ۱۲۴ | ۱۱۳۲ | ۸۹۵ | ۲۱۵۱ |
| ۲۰۰۲ | ۱۳۱ | ۱۱۹۷ | ۹۰۶ | ۲۲۳۴ |
| ۲۰۰۳ | ۱۳۱ | ۱۳۱۶ | ۹۰۳ | ۲۳۵۰ |
| ۲۰۰۴ | ۱۳۴ | ۱۴۷۴ | ۹۲۳ | ۲۵۳۱ |
| اواسط ۲۰۰۵ | ۱۳۴ | ۱۵۴۵ | ۹۳۵ | ۲۶۱۴ |

۱- جدول بیانگر آمار سازمان‌های غیردولتی (NGO) با جایگاه مشورتی نزد سازمان ملل (UN Doc. E/1998/43(1998))

نقش‌آفرینی بازیگران غیردولتی با استفاده از اینترنت

نمونه‌هایی از دیپلماسی نقش‌آفرین با استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات توسط سازمان‌های غیردولتی به شرح زیر است:

جنبش بین‌المللی نوپای "فرآیند اوتاوا Ottawa Process"، در سال ۱۹۹۶، با همکاری سازمان‌های غیردولتی به همراه کشورهای کوچک و متوسط، با کنارگذاشتن فرآیندهای سنتی دیپلماسی و اعمال روش‌های نوآورانه و ابتکاری،

همراه با کاربرد هوشمندانه فناوری اینترنت موفق به تصویب معاهده منع مین‌های زمینی (Mine Ban Treaty) از طرف ۱۴۰ کشور جهان گردید. تشکیل "دادگاه جنایی بین‌المللی، ICC"، به عنوان نمایشی از دیپلماسی مشترک کشورهای هم‌اندیش و سازمان‌های غیردولتی (NGO,s)، علیرغم نظر و تلاش مخالف ایالات متحده آمریکا، به نماد غلبه "دیپلماسی نوین" بر دیپلماسی قدرت‌محور ایالات متحده آمریکا گردید.

مخالفت سازمان‌یافته به رهبری سازمان‌های غیردولتی با 'توافق چندجانبه در سرمایه‌گذاری' (Multilateral Agreement on Investment-MAI) که کوربین (Korbin) آن را "برخورد جهانی شدن‌ها clash of globalizations" خوانده‌است. جهانی شدنی از نوع مورد علاقه سرمایه‌گذاران و جهانی شدنی از نوع مورد دلخواه بازیگران جامعه مدنی جهانی که در شبکه‌ای الکترونیکی در چارچوب مخالفت با اندیشه از نوع اول در کنار هم قرار گرفتند" (Kobrin;1998).

تلاش صلح سبز علیه آزمایش هسته‌ای فرانسه در اقیانوس آرام.

حرکت دستجمعی سازمان‌های غیردولتی فراملی در دفاع از زاپاتیستا در مکزیک^۱ اقدام نشریه نشنال جئوگرافیک در استفاده از عنوان مجعول بجای خلیج فارس و واکنش موفقیت‌آمیز جوامع ایرانی خارج کشور در اعتراض به آن که منجر به تصحیح نقشه مزبور گردید.

سال گذشته نیز کمپانی گوگل در تصاویر ماهواره‌ای Google Earth عبارت Gulf را به جای Persian Gulf گنجانید و پس از اعتراض برخی سایت‌های ایرانی آن را اصلاح کرد.

کانون مدافعان حقوق بشر با انتشار بیانیه‌ای به مجامع جهانی با استناد به بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر در خصوص رعایت نام تاریخی خلیج فارس تذکر داد.

و مواردی دیگر از این دست را می‌توان حاکی از نقش‌آفرینی سازمان‌های غیردولتی در عرصه جدید دیپلماسی برشمرد.

۱- برای مطالعه درباره نهضت زاپاتسیا در مکزیک مراجعه شود به:

- Cleaver (1998) and Ronfeldt et al. (1998).

پویایی و شفافیت

لازمه‌های ایجاد روابطی همکارجویانه با عموم (جامعه) پایان دادن به فرهنگ پنهانکاری و درونگرایی می‌باشد. در پرتو فناوری اطلاعات و ارتباطات، عرصه روابط خارجی شفاف، سیال و پویا شده و با سرعت در حال در هم شکستن مرزها و نظم‌های سنتی حاکم بر روابط دیپلماتیک می‌باشد. و به قول آقای فایرستون، «اکنون دوران مرزهای شفاف، کاهش سلسله مراتب و ابهام‌زدایی است» (Firestone; 2003; p.iv).

کلیه‌ی روزنامه‌های جهان، همه روزه و تقریباً بدون تحمیل هزینه قابل اعتنایی، توسط شبکه‌ی جهانی (اینترنت)، در اختیار انواع کاربران قرار می‌گیرد. افراد عادی، همزمان با سیاستمداران و تصمیم‌سازان جامعه، از طریق ماهواره‌ها در جریان اخبار و رویدادهای مورد علاقه‌ی خویش و نیز تحلیل‌های موافق و مخالف قرار می‌گیرند و متقابلاً نظریات و تحلیل‌های خود درباره‌ی هر جریان و موضوعی را از طریق رایانه‌های شخصی، بدون امکان سانسور یا ممانعتی به سرتاسر جهان ارسال می‌نمایند.

شبکه، جای سلسله مراتب نشسته و روند شفافیت نیز طبقه‌بندی و محرمانه بودن را بی‌مفهوم می‌سازد. هم اندیشه و دیدگاه و هم سرمایه و فناوری بدون مانعی به سرعت در شبکه‌ای جهانی متشکل از دولت‌ها، شرکت‌ها و سازمان‌های غیردولتی سیلان دارند. تلاش دیپلماسی سنتی در چنین فضایی از چرخش لحظه‌ای اطلاعات، تنها می‌تواند حفظ و تقویت ارتباط باشد.

تغییر دستور کار دیپلماسی

موضوعات جهانی تحت عناوینی چون حقوق بشر، مبارزه با تروریسم، مسأله فقر و بی‌عدالتی، محیط سالم زیست، موضوع آوارگان و پناهندگان، گسترش دامنه دموکراسی، اقتصاد آزاد، حاکمیت بر اینترنت (فضای مجازی) و غیره، بر برخی موضوعات ملی ارجحیت یافته و زمینه‌ساز تولد واژه‌های نوینی با ابعادی فراملی، نظیر تعبیر 'دهکده کوچک جهانی' آقای 'مکلوهان' McLuhan، پدر عصر الکترونیک (McLuhan; 1962) و یا تعبیراتی همچون، شهروندی جهانی، گردش آزاد اطلاعات، تجارت و ارتباطات آزاد بین‌المللی، و حقوق مربوطه هریک و حتی رهبری و مدیریت واحد جهانی شده‌اند.

رواج دیپلماسی عمومی

در عصری که مرزهای سرزمینی اهمیت خود را به مرزهای اقتصادی و فرهنگی واگذار می‌نمایند و فنآوری اطلاعات و ارتباطات، فرآیند جهانی شدن را سرعت می‌بخشد، حضور سودمند در افکار عمومی دنیا، از طریق شبکه‌های اطلاع‌رسانی جهانی برای اثرگذاری در راستای تأمین منافع ملی در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، عمده‌ترین تلاش اغلب کشورهای جهان است.

در حال حاضر دولت‌های مرکزی، وزارت خارجه‌ها و سفارتخانه‌ها در بسیاری از کشورهای جهان نخستین گام‌ها را برای ورود به دنیای جدید برداشته‌اند.

هم‌اکنون اغلب سفارتخانه‌ها برای تسریع و تسهیل در خدمات کنسولی و اطلاع‌رسانی‌های به‌نگام به اتباع خویش و شهروندان کشور متوقف‌فیه به ایجاد سایت‌هایی در شبکه‌های رایانه‌ای جهانی مبادرت ورزیده‌اند تا انجام بسیاری از امور را، با حداقل صرف وقت و هزینه و به صورت غیرحضوری ممکن سازند.

نمایندگی‌ها به یافتن مخاطبین اینترنتی و پاسخگویی به مطالبات آنان و ایجاد نفوذ در اندیشه شخصیت‌های کلیدی در محل مأموریت خویش در راستای ایجاد لابی‌های سایبرنتی می‌پردازند؛ مکانیسمی که به سرعت به ساز و کار جدیدی در دیپلماسی تبدیل می‌شود.

ناتوانی در بهره‌گیری از اینگونه فنآوری‌ها به نوبه خود تحمل هزینه‌های سنگینی را در ابعاد سیاسی-تبلیغاتی و حتی اقتصادی موجب می‌شود. قدرت‌های مسلط و برخوردار از امکانات ارتباطات الکترونیکی برآند تا قبل از مذاکرات رسمی و گفتگوهای دیپلماتیک، با زمینه‌سازی و تغییر ذهنیت اتباع کشور هدف، به خواسته‌های خود نایل آمده باشند.

در چنین فضایی دیپلماسی نمی‌تواند در شکل سابق صرفاً به تمرکز بر حوزه خصوصی بین دولت‌ها باقی بماند و به صورتی روزافزون با عموم جامعه ارتباط پیدا می‌کند و رابطه متقابل آن با پدیده رو به توسعه‌ای به نام 'افکار عمومی' (public opinion)، چه در سطح ملی و چه فراملی، هر روز با اهمیت‌تر و حساس‌تر می‌گردد. به تعبیری دیگر، دیپلماسی عمومی از

محدوده تنگ بخش تبلیغاتی سفارت‌خانه‌ها خارج و در فعالیت‌های اساسی دیپلماتیک محوریت می‌یابد.

ائتلاف و همگرایی

شبکه، نماد شاخص عصر اطلاعات، خود نمایانگر آن شکل از زندگی، و یا ساختار سازمانی است که در جهان نوین اندیشه‌ها، ایده‌ها و رسانه‌ها از ویژگی خاص برخوردار است. ساختار شبکه، در قالب شبکه‌های اجتماعی، شبکه‌های الکترونیکی، شبکه‌های رسانه‌ای و نظائر آنها، در عین حال نماد ائتلاف و همگرایی در جهان امروز نیز می‌باشد. نگاه امنیتی، هرج و مرج گرایانه و رمزآلود به جهان، باید به نگاهی آزاد، باز و با افقی روشن و متکی بر تفاهم، همکاری و اتحاد تغییر یابد. «دشمنان و رقبای دیروز، همکاران و متحدان امروز هستند. آنان که تنهایی را برمی‌گزینند هرچقدر هم که قوی باشند حتی کوچکترین شبکه‌های مخالف را هراس‌انگیز می‌یابند» (UN Doc. E/1998/43(1998)). در زمانی که «انقلاب اطلاعات تأثیر فاصله در ایجاد تجربه و به خود آمدن را از بین برده و ارزش پول داخل جیب فرد از حوادث واقع در نقاط دوردست و تعاملات تجاری الکترونیکی، به صورت لحظه‌ای، متأثر می‌گردد» (Giddens; 1999)، زندگی در انزوا بی‌معنا می‌باشد. بنابراین، شکل‌گیری ائتلاف‌ها و یا دگرگونی آنها با تغییر و تحول موضوعات و محورهای انسجام، فرآیندی رایج خواهد بود و در چنین فضایی، دیپلماسی هرچه بیش‌تر از دوجانبه بودن فاصله گرفته و ماهیت چندجانبه‌تری پیدا می‌کند.

جمع‌بندی

دیپلماسی با مشخصه‌های کلاسیک و مدرن، چهره دوگانه و ژانوسی داشت. چهره‌ای ملی، و آن دیگر فراملی. در سیمای اول، کشورهای خاص، با حاکمیتی مستقل را ملی‌گرایانه نمایندگی می‌کرد؛ حفاظت از منافع و دفاع از سیاست‌های کشوری خاص در برابر دیگر کشورها، در محیط آشفته بین‌المللی را بر عهده داشت. در سیمای دیگرش، نهادی حرفه‌ای، فراملی، با فرهنگ سازمانی معتبر، مشتمل بر زبان خاص، اصول، آئین و تشریفات را به نمایش می‌گذارد و مسئولیت دفاع از هنجارها، قواعد و الگوهای رفتاری نهاد دیپلماسی را عهده‌دار بود. حساسیت‌گزینش دیپلمات‌ها از میان نخبگان حرفه‌ای، کارشناس و جامعه‌پذیر از الزامات ایفای چنین نقش دو بعدی و گاه متضاد نشأت می‌گرفت.

فناوری‌های نوین به قول 'لیپسی'، "با خلق چیزهایی که خارج از تصور بود و به روش‌هایی که در ذهن نیامده بود" (Lipsey, Richard; 2002) زندگی بشر را متحول ساخته و با نفوذ در همه حوزه‌های تعاملات بشری، اعم از اقتصادی، سیاسی، نظامی-امنیتی، اجتماعی و فرهنگی پدیداری عصر جدیدی را موجب گردیده‌است.

بر اثر این تحولات جامعه جهانی بر محور ارتباطات در حال شکل‌گیری است و سرنوشت ملت‌ها به نحوی روزافزون در حال گره خوردن با یکدیگر است. نهادها و سازمان‌های دولتی، همگام با حوزه‌های بخش خصوصی در راستای تطابق با الزامات عصر جدید، به تجدید ساختار، تغییر سازمان و یا لاقط سامان‌دهی فرآیندهای تصمیم‌سازی و سیاست‌گذاری وادار گشته‌اند.

نهاد دیپلماسی نیز در مواجهه با ظهور عصر اطلاعات هم در اهداف و هم در ابزار، تحت تأثیر قرار گرفته‌است. دسترسی وسیع اقشار مختلف مردم به انواع اطلاعات از طریق رسانه‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های رایانه‌ای، محیط اجتماعی-سیاسی را پرهیجان و سیال نموده و 'پویایی dynamisim' و 'شفافیت transparency'، را از اصطلاحات پر رنگ در ادبیات سیاسی قرن بیست‌ویکم ساخته‌است. ظهور خودجوش و روزافزون گروه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی، اعم از منطقه‌ای و بین‌المللی، به عنوان بازیگران جدید، در عرصه روابط بین‌الملل، همراه با مداخلات روزافزون آنان در مسائل داخلی و بین‌المللی کشورها، محیط بین‌الملل را پرتنش ساخته‌است. رابطه متقابل دیپلماسی با پدیده رو به توسعه‌ای به نام 'افکار عمومی'، چه در سطح ملی و چه فراملی، هر روز با اهمیت‌تر و حساس‌تر می‌گردد. دیپلماسی عمومی در قالب توسعه مشارکت‌های فراملی، از طریق نظرسنجی‌ها، رأی‌گیری‌ها و تشکیل گروه‌های فشار از نخبگان سراسر جهان توسعه یافته و اتخاذ راهکارهایی از قبیل تشکیل سازمان‌های فراملی در دفاع از حقوق بشر و محیط زیست او؛ بسترسازی‌هایی نظیر طرح گفتگوی فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در مواجهه با و یا برای گریز از روند پیش‌بینی شده‌ی جنگ تمدن‌ها، بخش قابل‌ذکری از تلاش‌های اجتماعی-سیاسی فرزندان بشردوست در مقابل مصادره‌کنندگان دست‌آوردهای بشری در جهان امروز شده‌است.

دیپلماسی از هیأت سابق خویش و تمرکز بر حوزه خصوصی بین دولت‌ها خارج و به صورتی روزافزون با عموم جامعه ارتباط پیدا می‌کند. دیپلمات‌ها باید هم روابط بین دولت‌ها و هم بین دولت‌ها و بازیگران جدید عرصه روابط بین‌الملل را سامان دهند.

بخش‌هایی از نهاد بین‌المللی دیپلماسی^۱ از جمله دستگاه سیاست خارجی کشورمان نیز از این فراگشت غافل نبوده و ساز و کارهایی را برای مواجهه با موج عصر اطلاعات اندیشیده‌اند، اگرچه هنوز با آمادگی لازم فاصله بسیار است.

در مجموع، انقلاب در فناوری اطلاعات، افزایش رسانه‌های نوین، جهانی شدن امور مالی و کسب و کار، گسترش مشارکت عمومی در روابط بین‌الملل، موضوعات پیچیده فرامرزی و مواردی مشابه، انگیزه‌های اساسی برای تغییر در رفتار دیپلماسی گردیده است. این تحولات، عرصه بین‌الملل را پرتنش ساخته و امید می‌رود در نهایت اندیشه‌های مغایر با منافع عمومی و غیرمنطبق با گرایش‌های فطری انسان را از صحنه خارج سازد. تردیدی نیست که این روندها، سلطه‌جویان را وامی‌دارد تا فرصت را از دست نداده و قبل از فراگیر شدن اندیشه عدالتخواه بشری، با استفاده از ابزار سلطه و اعمال زور و یا در قالب پروژه‌های جهانی‌سازی، چنین روندهایی را هم راستای منافع خویش سازند. با این وجود، شواهد حاکی از آن است که، روند اجتناب‌ناپذیر جهان به سوی تحقق عدالت و بهره‌گیری صحیح و مؤثر از جامعه اطلاعاتی، خسارت‌های ناشی از تلاش‌های مذبوحانه سلطه‌جویان را به نفع ملت‌ها کاهش دهد.

در طول دهه گذشته اینترنت ابزار کار بدون رقیبی برای حرفه‌های مختلف، از جمله دیپلماسی گشته است. دو رکن اصلی دیپلماسی، یعنی اطلاعات و ارتباطات، با استفاده از اینترنت امکان ارتقاء جدی یافته‌اند. صفحات اطلاعاتی ذخیره شده در اینترنت، در کنار سایر توانایی‌های مدیریت اطلاعات، این ابزار را سریعاً به خدمت بیشتر سرویس‌های دیپلماسی در آورده است.

منابع و مأخذ

الف - فارسی

- ۱- فولتن، بری؛ در سمپوزیم دیپلماسی عصر اطلاعات (آوریل ۵ و ۶، ۲۰۰۱)
- ۲- مورگنتا، هانس جی؛ سیاست میان ملت‌ها، برگردان: خانم حمیرا مشیرزاده (چ-۱، ۱۳۷۴)

۱- برخی کشورها نظیر کانادا، استرالیا پیشنهاد می‌کنند. در آمریکا به تنظیم راهبردهایی همت گمارده‌اند، لکن اقدامات کند و بطئی مجریان دستگاه دیپلماسی ایالات متحده آمریکا در تطابق با الزامات عصر انفجار اطلاعات مورد انتقاد است.

- ۳- ویلیام دریک، مدیر و وابسته ارشد، پروژه انقلاب اطلاعات و جهان سیاست، مؤسسه کارنگی
- ۴- هفته‌نامه بزرگراه فناوری که از سوی شرکت فناوری اطلاعات (دیتای سابق) منتشر شده‌است.

ب - خارجی

- 1- Anderson, THE RISE OF MODERN DIPLOMACY: 1450-1919 (Longmn: 1993) [320]
 - 2- Barston, R.P.; Modern Diplomacy Third Edition 2006
 - 3- BBC, "Online Use Booming, Says UN", November 18, 2002, reporting the United Nations conference on Trade and Development's E-Commerce and Development Report.
 - 4- Bell, Daniel: The Coming of PostIndustrial Society: A Venture in Social Forecasting (New York: Basic Books, 1973)
- Bollier, David
- 5- Castells, Manuel; "Global Communications Networks, Local Audiences, Uncertain Regulators," in The Power of Identity (Oxford, UK: Blackwell Publishers, 1997), 254.
 - 6- Castells, Manuel; The Rise of the Network Society. The Information Age: Economy, Society & Culture, Vol. 1(Oxford: Blackwell, 1996), 31 ⇒ (The information Age, Emmanuel C. Lallana, Ph.D., with assistance from Margaret N. Uy).
 - 7- Coleman, Bill; chairman and chief strategy officer of BEA Systems, an enterprise software company.⇒ (David Boiler, THE RISE OF NETPOLITIK; 2003; P- 3.
 - 8- Cowards, Christopher; in a correspondence with Emmanuel(The information Age, Emmanuel C. Lallana, Ph.D., with assistance from Margaret N. Uy; p.23)
 - 9- Deibert, Ronald J. 1997, Parchment, Printing, and Hypermedia: Communication in World Order Transformation, COLUMBIA UNIVERSITY PRESS, New York; at 133.
 - 10- Der Derian 1987: p. 111
 - 11- Drake, William; ویلیام دریک، مدیر و وابسته ارشد، پروژه انقلاب اطلاعات و جهان سیاست،
 - 12- Elmer-Dewitt, Philip; "Battle for the Soul of the Internet", Time, 25 July 1994.

- 13- Firestone, Charles M. ; Executive Director, The ASPEN Institute, Communications and Society Program, Washington, DC, 2003.; in his Forward note: p- VI; to: Bollier, David
- 14- Fulton, Barry; Research Professor, School of Media and Public Affairs, The George Washington University; Project Director, Reinventing Diplomacy in the Information Age, Center for Strategic and international Studies
- 15- Giddens 1984:25, cf. Scott 2001:75
- 16- Giddens, Anthony; "Runaway World: The Reith Lectures 1: 10 November, 1999
- 17- Harvey, David: The Condition of Postmodernity (Oxford: Blackwell, 1989); Alain Lipietz, Mirages and Miracles: The Crisis of Global Capitalism (London: Verso, 1987); and Michael Piore and Charles Sabel, The Second Industrial Divide (New York: Oxford University Press, 1984
- 18- Held, David 1999:38-39
- 19- Internet world statistics (<http://www.internetworldstats.com/stats.htm>)
- 20- Kathryn Sikkink, "Human Rights, Principled Issue-Networks, and Sovereignty in Latin America," International Organization 47 (Summer 1993): 418
- 21- Keohane and Nye, 1998; p.18 ; narrated by: David Ronfeldt and John Arquilla WHAT IF THERE IS A REVOLUTION IN DIPLOMATIC AFFAIRS?(2005/03/15)
- 22- Kerstin Martens, NGOs and the United Nations; Institutionalization, Professionalization and Adaptation; Antony Rowe Ltd, Chippenham and Eastbourne; 2005
- 23- Kobrin (1998) views this opposition to the MAI as a "clash of globalizations"-- between the type of globalization favored by investors and a newer type represented by electronically networked global civil society actors who oppose economic globalization.
- 24- Lessing, Lawrence; The Future of Ideas: The Fate of the Commons in a Connected World(New York: Random House, 2001), 23.
- 25- Lipsey, Richard; Technological Shocks; Past, Present and Future; available from <http://www.sfu.ca/~rlipsey/T&G.PDF>; accessed 28 August 2002
- 26- Lute, Jane Holl; paper prepared for the Aspen Strategy Group, August 2003. Soft Power: The Means to Success in World Politics – Joseph S. Nye, Jr. Chapter 4 – Wielding Soft Power, p. 1.
- 27- Lyotard, JeanFrançois: The Postmodern Condition: A Report on Knowledge (Minneapolis: University of Minneapolis Press, 1984); and Barry Smart, Modern

Conditions, Postmodern Controversies (New York: Routledge Press, 1992). For more extensive citations on the topic of postmodernism, see chapter 7

- 28- Martin, Todd; Virtual Diplomacy: E-merge – A Student Journal of International Affairs, Volume 2, February 2001
- 29- McLuhan, Herbet Marshall, The Gutenberg Galaxy: The Making of Typographic Man, Toronto: University of Toronto Press, 1962...
- 30- Napoleon,(1802)
- 31- Nicolson, H.; 1954
- 32- Nye, writing with Admiral William Owens (1996, referring to Nye, 1990), p.24; narrated by: David Ronfeldt and John Arquilla WHAT IF THERE IS A REVOLUTION IN DIPLOMATIC AFFAIRS?
- 33- Peter J. Spiro, "New Global Communities: Nongovernmental Organizations in International Decision-Making Institutions," The Washington Quarterly 18, no. 1 (1994): 47.
- 34- Rosenau, James N.: Turbulence in World Politics: A Theory of Change and Continuity (Princeton: Princeton University Press, 1990);
(این کتاب با عنوان 'جهان پر آشوب' به فارسی نشر یافته است)
- 35- Ruggie, John Gerard: "Territoriality and Beyond: Problematizing Modernity in International Relations," International Organization 47 (Winter 1993): 139-140
- 36- Shultz, George P.; "Keynote Address from the Virtual Diplomacy Conference: The Information Revolution and International Conflict Management," PeaceWorks 18 (September 1997), at http://www.usip.org/pubs/pworks/virtual18/vdip_18.html [08/20/00].
- 37- Smith, Gordon S.; "Reinventing Diplomacy: A Virtual Necessity", Paper presented at the International Studies Association Conference, Virtual Diplomacy: A Revolution in Diplomatic Affairs (18 February 1999), at: <http://www.usip.org/oc/vd/vdr/gsmithISA99.html> [08/20/00]
- 38- Solomon, Richard, Information Age Diplomacy, NWC/NU, Symposium, presentation paper.
- 39- The Atlantic Monthly, November 2003, p. 54. "The Limited Power of the Purse"; For a classic study, see Gary Hufbauer, Jeffrey J. Schott, Kimberly Ann Elliott, Economic Sanctions Reconsidered 2nd Editio (Washington, D.C.: Institute for International Economics, 1990) → Soft Power: The Means to Success in World Politics – Joseph S. Nye, Jr. Chapter 4 – Wielding Soft Power, p. 1.

-
- 40- Toffler, Alvin; and Toffler, Heidi: War and AntiWar: survival at the dawn of the 21st century (Boston: Little, Brown, 1993); and Alvin Toffler, The Third Wave (London: Pan Books, 1983).
- 41- Travel.com; (http://www.m-travel.com/news/2006/02/global_internet_1.html)
- 42- UN Doc. E/1998/43(1998); Department of Economic and Social Affairs(2005); Interview UN-3
- 43- UNDP - United Nations Development Programme, Human Development Report 1999: Globalization with a Human Face (New York: United Nations, 1999), 58.
- 44- US Advisory Commission on Public Diplomacy, A New Diplomacy for the Information Age (Washington: US Advisory Commission on Public Diplomacy, 1996).
- 45- Writson, Walter B.; speaking at the U.S. Institute of Peace's "Virtual Diplomacy" (April 1 and 2, 1997 in Washington); and the author of: The Twilight of Sovereignty: How the Information Revolution is Transforming our World.
- 46- Zacher, Mark W., 2000. The Declining Pillars of the Westphalian Temple: Implications for International Order and Governance, in The New Political Economy of Globalization, edited by Richard Higgott and Anthony Payne, Vol.1. Cheltenham: Edward Elgar.